



فابل در ادبیات فارسی

۳

آمدن فابل از هندوستان به ایران

چنانکه در قسمت اول و درم این گفتار گذشت ، فابل در کتاب « کلیه و دمنه » از هندوستان بایران آمد. درباره این کتاب و تاریخ و سرگذشت و خط سیر آن از هندوستان باطراف جهان، کتابها و رساله‌ها و مقاله‌های بسیار نوشته شده است. در زبان فارسی ، جامع‌ترین کتاب در این باب همانا کتاب بسیار جامع و محققانه است که با عنوان « درباره کلیله و دمنه و تاریخچه و ترجمه‌ها و دو باب ترجمه نشده از کلیله و دمنه » بقلم دانشمند محترم آقای دکتر محمد جعفر محجوب ، در سال ۱۳۳۶ (چاپ دوم در سال ۱۳۴۹) در تهران ، از جانب شرکت سهامی انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است . ایشان در تاریخ ۲۱ تیر امسال (۱۳۵۲) در مرقومه‌ای که از پاریس بارادتمند خود به ژنو نوشته‌اند بایکدنیا فروتنی که از صفات بارز ایشان است مرقوم داشته‌اند : که « این کتاب واقعا بدون هیچ‌گونه تعارفی، سراپا نقص است و این نقص را وقتی بنده در اروپا، این دریای اسناد و مدارک را دیدم بیشتر متوجه شدم . . . و متأسفانه دیگر حال و مجال آن را ندارم که بسوی کار بیست سال نویسی بازگردم و هر یک از فصول و ابواب آنرا مورد تجدید نظر قرار دهم اما به جرأت میتوانم عرض کنم که بجای هر یک از بابهای این رساله کوچک میتوان کتابی بزرگ پرداخت و آنچه بنده را

* آقای استاد سید محمد علی جمال زاده از نویسندگان دانشمندی صاحب نظر معاصر

ملول میدارد این است که در میان جوانان و دانشجویان نیز کمتر صاحب همتی می‌یابم که در این روزگار وانفسا سرش برای این قبیل کارها درد بکند»

من که راقم این سطور هشتم این کتابی را که مشتمل بر ۳۳۳ صفحه بزرگ است و آقای دکتر محبوب آنرا رساله کوچک «رساله کوچک» خوانده‌اند، مطالعه کردم و شهادت میدهم که هر صفحه از صفحات آن حکایت از مطالعات بسیار و تفحصات و تحقیقات عمیق و فراوان مینماید و گذشته از اینکه طبع سلیم و استوار مؤلف، مبلغی بر فواید این اثر گرانقدر افزوده است تا جایی که بر بنده معلوم است نخستین کتاب مستقل و جامعی است که در این موضوع تألیف یافته است و باید برای آن ارزش بسیار قائل بود و همین نیز که بار دوم، در سال ۱۳۴۹ بچاپ رسیده است معلوم میدارد که مورد توجه هموطنان و کسانی است که بزبان و ادب فارسی علاقمند هستند و باید امیدوار بود که خداوند بمؤلف بلند همت آن، توفیق و سلامتی و شادکامی عطا فرماید تا اگر واقعا احبانا نواقصی در آن هست (یعنی در نتیجه مساعی محققان خودمانی و بیگانه در این اثنا اطلاعات مفید تازه‌ای بدست آمده است) خود ایشان با حدت ذهن و تشخیصی که لازمه کار و از خصوصیات شخص ایشان است این کار بسیار لازم و سودمند را انجام بدهند.

خود کتاب «کلیه و دمنه» نیز هفت سالی پس از کتاب نامبرده در فوق با عنوان «ترجمه کلیه و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی نهرانی» در سال ۱۳۲۲، در جزو انتشارات دانشگاه تهران، هدیه دکتر یحیی مهدوی، در تهران انتشار یافت. این کتاب دارای مقدمه ایست بقلم دانشمند معظم آقای مینوی و همچنین دیباچه نصرالله منشی و مقدمه مترجم عربی کتاب یعنی ابن مقفع در باره برزویه طیب که «کلیله و دمنه» را از هندوستان بایران آورد (یا بروایت شاهنامه «بندریج فرستاد») و نیز دارای خاتمه ایست بقلم نصرالله منشی که مطالب و اطلاعات اساسی لازم را بخواننده میدهد. دکتر محمد محبوب در باره این کتاب چنین داورى فرموده است: «متنی است متقن و مضبوط و قابل اعتماد»

و الحق که بهترین متنی است که تا کنون از «کلیله» و «دمنه» انتشار یافته است و مایه تعجب راقم این سطور گردید وقتی دیدم که در یکی از مجله های تهران، در مقاله ای بدون امضای کامل، با اجنبی اهانت آمیز به مصحح ایراد وارد آمده است که چرا در متن کتاب نامبرده کلمه «شتر به» را بصورت «شزبه» نوشته است. در صورتی که بدلائیل استوار مسام است که همان «شزبه» صحیح است و در اصل هم به همین صورت بوده است و «شتر به» که هیچ معنی درستی ندارد بکلی غلط است و این همان حکایت آخوند مکتبی و نوشتن کلمه «مار» را بخاطر بیاورد و آن چنان است که نساخ بیسوادی چون منتهی کلمات «کلیله» و «دمنه» را نمی فهمد آنرا بصورت «کلید» و «دنبه» مینویسد و کسی را که این دو کلمه را از راه معرفت و آگاهی اصلاح نمود «کلیله و دمنه» بنویسد مستحق اهانت و شمانت بداند.

استاد مینوی، پیش از انتشار کتابی که ذکرش در فوق گذشت مقاله ای در مجله «یغما» (شماره آبان ۱۳۳۶) انتشار داده و در آنجا اولین بار کتابی را بزبان عربی از مأمون خلیفه عباسی با عنوان



La Fable et la Vérité; par MARILLIER:

L'allégorie trouve un commentaire dans les vers gracieux du chevalier DE BOUFFIERS, fabuliste à ses heures :

*La morale a besoin, pour être bien reçue,
Du masque de la fable et du charme des vers :
La vérité plaît moins quand elle est toute nue,
Et c'est la seule vierge en ce vaste univers
Qu'on aime à voir un peu vêtue.*

تصویر بالا کار نقاش فرانسوی ماری لیه (MARILLIER) است و حقیقت را در مقابل فابل نشان میدهد و بوفلر (BOUFFIER) شاعر فرانسوی که فابل‌هایی هم ساخته است ابیاتی درباره آن ساخته که ترجمه تحت‌اللفظی آن چنین است :

دبرای آنکه اخلاق دلپذیر افتد باید در نقاب فابل و بالطف شعر باشد، حقیقت برهنه کمتر خوشایند است و تنها دوشیزه باکره این جهان فراخ است که اگر اندکی پوشیده باشد او را بیشتر دوست دارند. «فرنگها حقیقت را عریان میدانند و نقاشها و مجسمه سازان بزرگ آنها حقیقت را عریان نشان داده‌اند (این تصویر از مجموعه فابل‌های لافونتن نقل گردید)

« بیون کتاب کلیله و دمنه و اغراضه ممالحظه المامون » معرفی نموده بودند که تا آن تاریخ مجهول مانده بود و نیز همین کتاب بتوسط ایشان در خطابه‌ای که در بیست و چهارمین کنگره بین المللی خاورشناسان قرائت گردید معرفی گردید. باید دانست که این کتاب عبارت است تنها از حکم و مواعظ و نصایح و نتایج اخلاقی و مقاصد « کلیله و دمنه » بدون حکایتها و قصه ها .

چنانکه میدانید کتاب « کلیله و دمنه » با همین عنوان از هند بسه ایران آمد و بعد ها پس از اسلام، دانشمند ایرانی ابن مقفع آنرا به عربی بترجمه رسانید و این خود مبرساند که هر چند در « شاهنامه » میخوانیم که آن کتاب

« همی بود با ارج در گنج شاه بدو ناسزا کس نکردی نگاه »

با اینهمه ، باید پذیرفت که رفته رفته در زمان خود ساسانیان یا پس از انقراض آنها نسخه هایی از آن کتاب موجود آمده بوده است و از آن جمله نسخه‌ای هم بدست ابن مقفع افتاده بوده (که شاید هم همان نسخه اصلی بوده که در موقع استیلای عرب بر ایران بدست آنها افتاده بوده است) که همانا اساس ترجمه کتاب از بهلوی به عربی واقع گردیده است و باز جادارد بگوئیم الله اعلم .
معنی کلمات کلیله و دمنه

درباره معنای دو کلمه « کایله » و « دمنه » همینقدر میدانیم که کتاب در هندوستان با اسم « پنجانترا » (یعنی پنج باب یا پنج قصه) معروف بوده است و گویا در میان مردم معمولی آن کشور بنام « کلیله و دمنه » خوانده میشده است و با همین عنوان هم بایران آمده است و این دو کلمه را اسم دو شغال دانسته‌اند . همچنانکه امروز هم در ایران خودمان داستانی داریم با اسم « شنگول و منگول » که نام دو بچه بره است و یا چنانکه گریه را چه بسا بنام « پیشی » میخوانیم و همچنانکه در فرانسه روباه را « مترگوپیل » (آقا روباه) میخوانند و چوپانهای معروف سوئیس بهر يك از گاو های خود نامی میدهند . (۱)

در هر حال مترجم فارسی « کایله و دمنه » (نصرالله منشی) در خاتمه بر ترجمه خود چنین آرزومندی کرده و از خداوند خواستار شده است که :

« این مجموع نزدیک دوست و دشمن و مسلمان و مشرك و معاهد و ذمی مقبول باشد و تا زبان پارسی میان مردمان متداول است بهیچ تأویل مجهور نگردد و بتقلب احوال و تجدد حوادث دوران نقصانی و تفاوتی صورت نیندد ، چه در اصل وضع کان حکمت و گنج حصافت است و بدین لباس زیبا که بنده در آن پوشانید جمالی گرفت که عالمیان را بخود مفتون گرداند و در مدتی اندك اقالیم روی زمین بگیرد . »

(۱) هرقل دانشمند آلمانی که در کتاب خود درباره (کلیله و دمنه) که ذکر آن خواهد آمد

اسم این دو شغال را در زبان هندی بصورت « کاراتا کا » و « دنسکا » (بفتح اول و دوم آمده است)

Damanaka و Karataka

امروز متجاوز از هشتصد و پنجاه سال از روزی که نصرالله منشی این آرزو را بزبان قلم جاری ساخت میگذرد و باید تصدیق نمود که الحق این دعا و آرزوی او برآورده و مستجاب شده است چونکه کتاب «کليلة و دمنه» نه تنها باغلب زبانهای فرنگی بلکه بزبانهای بسیار دیگری هم از قبیل زبان مالزی و زبان مغولی و حبشی و زبان مالایائی و زبان عبری و مادورائی (۱) و زبان جاوه ای (۲) نیز بترجمه رسیده است (۳) .

- (۱) «مادور» جزیره ایست از جزایر واقع در اقیانوسیه (جنوب شرقی آسیا) در شمال جاوه .
- (۲) باید دانست که «کليلة و دمنه» را در زبان جاوه ای بنظم هم در آورده اند .
- (۳) درباره «کليلة و دمنه» بزبانهای فرنگی کتابهای متعددی بچاپ رسیده است و یکی از جامعترین آنها کتابی است بقلم دانشمند آلمانی هرتل که (پنجانترا و تاریخ و توسعه اش) عنوان دارد و در سال ۱۹۴۰ میلادی در لپزیک بزبان آلمانی و در برلن بچاپ رسیده است .

g. HERTEI : «DAS PANCATANTRA, SEINE
GESCHICHTE UND SEINE VERBREITUNG»
LEIPZIG UND BERLIN 1940

اعتماد بنفس

دل در او بند، رستی از غم و بند	دل بفعل و فضول خلق میند
بخدای ، ارز خلق هیچ آید !	کار تو، جز خدای نگشاید
خلق را هیچ در شمار مگیر	تا توانی جز او بیمار مگیر
جز بدرگاه او پناه ساز	خلق را هیچ تکیه گاه ساز
تکیه گاه ، رحمت خدای بس است	کین همه تکیه جایها هوس است

حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه حکیم سنائی قرن ششم هجری